یادداشت روز

یک امت ولی دم امام شهید

حسن رشوند

این روزها جنگ ما با آمریکا وارد مرحله تازه‌ای شـــده اســـت. رئیس‌جمهور خبیث و عهدشکن آمریکا زیر تفاهم‌نامه‌ای که خود امضا کرده بود، زد و به صراحت آتش‌بس را نقض کرد و گفت که دیگر چیزی به اسم تفاهم‌نامه وجود ندارد. پس از این مرحله بود که نیروهای تروریستی آمریکا (سنتکام) در منطقه حملات خود به بخش‌هایی از کشور را آغاز کردند. حتی پلی از خط راه‌آهن در آق قلا در استان گلستان و بخشی از راه‌آهن کاشـــمر که مردم عاشق و دلبسته امام شهید برای مراسم تشییع آن عزیز رهسپار مشهد مقدس بودند، زیر موشک‌های آمریکا قرار گرفت. هرچند در این ســـوی میدان، با وجود پاسخ‌های مقابله به مثل نیروهای مسلح و زیر آتش قرار دادن مداوم پایگاه‌های آمریکا در کشـــورهای منطقه، بعضاً دیده می‌شود برخی درباره تفاهم‌نامه‌ای که ترامـــپ به صراحت بی‌تعهدی خود به آن را اعلام کرده و دور جدیدی از حملات علیه ایران را آغاز کرده اســـت، پاسخ خباثت‌های دشمن را با کلمات دیپلماتیکی «تفاهم‌نامه وارد مرحله بحران شـــده است»، می‌دهند. این در حالی اســـت که در فرهنگ سیاسی و امنیتی، بحران به مرحله‌ای گفته می‌شود که امید به بازگشت آرامش در دل آن وجود داشته باشد. چگونه می‌توان انتظار بازگشت و ادامه مسیر در ریل تعریف شده تفاهم‌نامه را داشت، در حالی که طرف آمریکایی به صراحت پایان آن را اعلام کرده است.

۱- با حملاتی که این روزها آمریکا در خط ســـاحلی ایران شروع کرده است و از روز دوشنبه فراتر از خط ساحلی، بخشی از استان‌های غیر ساحلی و بعضاً تا عمق خاک ایران را نشانه رفته است، در تقابل با این رفتار جنون‌آمیز و از ســـر استیصال ترامپ، سپاه و ارتش قهرمان کشورمان با حملات برق‌آسای موشکی و پهپادی به مراکز تجمع نیرویی و تجهیزاتی دشمن از بحرین گرفته تا کویت، قطر، عمان و اردن، عرصه را بر ارتش تروریستی آمریکا تنگ کردند. به این گزارش از مصاحبه‌ای که «کریستین امانپور» خبرنگار مشهور آمریکایی با «صنم وکیل» در CNN انجـــام داده، توجه کنید. در این مصاحبه به راحتی می‌توان به عمق راهبرد جدید ایران بعد از خروج ترامپ از تفاهم‌نامه و بازگشت آنها به جنگ پی برد. در این گفت‌وگو، مصاحبه‌کننده به تغییرات بنیادین در سیاست خارجی و رفتارهای نظامی ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: «بافته‌های کلیدی نشـــان‌دهنده گذار ایران به فازی است که در آن «احتیاط» و «پیش‌بینی‌پذیری» جای خود را به جسارت نظامی و ابهام راهبردی داده است. با فروپاشی تفاهم‌نامه (MoU) میان ایران و ایالات متحده، منطقه شاهد تبادل مجدد حملات نظامی مستقیم است. پرسش محوری در مقطع کنونی این است که آیا ابزارهای دیپلماتیک همچنان توانایی جلوگیری از تبدیل ایـــن درگیری‌های پراکنده به یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای را دارند یا خیر؟» بر اســـاس تحلیل «صنم وکیل»، مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در «چتم هاوس» شبکه CNN، رفتار راهبردی ایران دچار تحولی ماهوی شـــده اســـت و این تحول بـــا دو ویژگی اصلی «پایان پیش‌بینی‌پذیـــری» و «کاهش احتیاط در تقابل» شناخته می‌شود. به این معنا که ایران دیگر تمایلی به بازی در چارچوب‌های سنتی و قابل پیش‌بینی ندارد. این استراتژی با هدف ایجاد اختلال در محاسبات طرف مقابل و افزایش هزینه اقدامات تنبیهی اتخاذ شده است. همچنین سیاست «ایرانِ جدید» (منظور بعد از شهادت امام امت) این اســـت که تمایل کمتریَ به خویشتنداری نشان دهد و آماده اســـت تا ریســـک‌های بزرگ‌تری را در مواجهه‌های نظامی و سیاسی بپذیرد. برمبنای همین سیاست جدید است که بعد از رفتار جنون‌آمیز آمریکایی‌ها به عنوان شروع‌کننده درگیری‌های تازه و تعرض به ۸۲ نقطه از مناطق ساحلی کشورمان و آسیب زدن به تعدادی از زیر ساخت‌ها، نیروهای مسلح مقتدر ایران در اولین پاسخ راهبردی خود ۱۶۰ هدف از ارتش تروریستی آمریکا را در بحرین، کویت، قطر و اردن مورد حمله قرار دادند و این روند در ۲۴ ساعت گذشته با حمله به سامانه‌های پاتریوت و رادار کنترل هوائی ناوگان پنجم دریایی ارتش تروریستی آمریکا و سامانه راداری اخطار اولیه c-ram و انهدام آنها شتاب بیشتری گرفته است.

۲- در شـــرایطی که نیروهای مســـلح ما در میدان جهاد از تنگه هرمز گرفته تا منتهی‌الیه آب‌های ســـرزمینی ایران در دهانه اروند با طول جغرافیایی ۸۰۵ کیلومتر، تا پای جان از این آب و خاک حراست می‌کنند و نفس آمریکایی‌ها را در این آبراه طولانی بریده‌اند و تنها در روز یکشـــنبه با اصابت موشک پهپادهای ایرانی به بندر «شعیبه» در کویت یعنی دورترین نقطه به تنگه هرمز، حداقل ۴ نظامی آمریکا کشته و بیش از ۳۰ نفر زخمی بجا گذاشته‌اند و روزنامه واشنگتن پست آن را یک افتضاح برای دولت ترامپ عنوان کرد وگزارش داد که فرماندهان ارشد آمریکا، نیروهای گرفتارآمده خود در این حملات را رها کرده بودند، در چنین شرایطی که شاهد یک به‌هم‌ریختگی در جبهه دشمن هستیم و می‌بینیم که در یک روز خلبان‌های شجاع شرکت هواپیمایی ماهان در اوج تهدید جنگنده‌های رژیم سعودی بی‌توجه به این تهدیدات در فرودگاه صنعـــا و بندر العدیده یمن فرود می‌آیند و اقتدار ایرانی را به اثبات می‌رسانند، جماعتی هستند که هنوز نسخه تسلیم برای ملت ایران و دولتمردان آن می‌پیچند و وقیحانه، گذشتن از خون امام شهیدمان را نســـخه نجات‌بخش کشور در حکمرانی می‌دانند. فردی که به دلیل برخی ارتباطات غلط، روزگاری در زمره شورای اطلاع‌رسانی دولت بود و خوشـــبختانه با رفتنش از این شورا، دامان دولت را از معامله با خون امام شـــهید مبرا کرد، اخیراً در یک برنامه تولیدی توسط فردی که در دوره تبلیغات انتخاباتی سال ۱۴۰۳ میکروفون را پرت و جلسه مناظره تلویزیونی را ترک کرده بود، اقدام به گفتن اراجیفی کرده است که نشان از خطی دارد که متأسفانه توسط برخی در کشور دنبال می‌شود تا بحث انتقام از خون امام شهید به فراموشی سپرده شود. این در حالی است که انتقام از خون امام شهید، فراتر از یک خانواده و حتی کشور، بلکه وظیفه تک‌تک آحاد امت اسلامی در اقصاء نقاط جهان است. به این نکته باید توجه داشت؛ آنچه نیروهای مسلح ما در مقابله با دشمن آمریکایی و صهیونیســـتی در منطقه انجام می‌دهند در راستای همان سیاست کلانی است که جمهوری اســـلامی با دستور امام شهید و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدّظلّه العالی) به عنوان تنبیه متجاوز برای جنایت‌هایی که در جنگ ۱۲ روزه و رمضان و اقداماتی که در به شهادت رساندن عزیزان ما انجام دادند، بوده است که ان‌شاءالله با این سیاست تنبیهی، آمریکایی‌ها گورشان را از منطقه گم کرده و وجود نحس رژیم صهیونیستی نیز برای همیشه ازاله خواهد شـــد و این وظیفه‌ای است که به حول و قوه الهی نیروهای مسلح ما و جبهـــه یکپارچه مقاومت انجام خواهند داد، ولی یقیناً این قضیه نافی جنایتی که قاتلین تابلودار و مشخص آمریکایی و صهیونیستی در به شهادت رساندن امام شهیدمان، فرماندهان و کودکان مظلوم مینابی وهمه عزیزان ما در این دو جنگ انجام دادند و این امری است که حتماً محقق خواهد شد و تنها شانس این جنایتکاران این خواهد بود که قبل از آمدن خونخواهان آزاده جهان، حضرت عزرائیل به سراغ آنها آمده و جان بی‌مقدارشان را گرفته و روانه دوزخ کند.

۳- از دیدگاه قرآن کریم، قصاص ضامن حیات امت است و این تشییع باشکوه، نمایشی از عهد خون و وفاداری ملت به ولایت محسوب می‌شود. این اجتماع عظیم، علاوه بر ابراز همدردی، تجدید میثاقی تاریخی برای خونخواهی بود. چرا که این حضور، نخستین گام خونخواهی و همه‌پرسی اســـتمرار راه شهید به شمار می‌رود. لذا با الهام از نهضت عاشورا، این وظیفه‌ای فراگیر و همگانی است؛ قاتلان و مسببان شهادت امام شهیدمان نباید احســـاس امنیت کنند و قصاص آنان، تنها بر عهده دولت و حتی ملت ایران نیست، بلکه ملت‌های آزاده جهان نیز مسئولیت دارند. این عهد مقدس، حیات جامعه را در سایه ایستادگی تضمین کرده، جبهه مقاومت را استوار می‌سازد و پیوند ایمانی و تمدنی ملت به جهانیان را اثبات می‌کند.

۴- ممکن است افرادی که این روزها خواهان گذشتن از خون امام شهید هســـتند، مفهوم آیات قرآن را درک نکنند و یا اعتقادی به آن نداشته باشند ولی میلیون‌ها مسلمان که هر روز آیهِ شریفهِ ۱۷۹ سوره بقره را می‌خوانند: («وَ لَکُمْ فِی الْقِصَاصِ حَیَـــاةٌ یَا أُولِی الْأَلْبَابِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ» برای شـــما در قصاص، حیات وَ زندگی است، ای صاحبانِ خِرد! شاید شما تقوا پیشه کنید.)، بدرستی مفهوم این آیه و آیات دیگرِ این کتاب آسمانی را درک می‌کنند. چرا که جامعه‌ای که در برابر خون مظلوم بی‌تفاوت بماند، راه را برای تکرار جنایت هموار می‌کند، اما جامعه‌ای که خون مظلوم را پاس بدارد و اجازه ندهد ظلم بی‌پاسخ بماند، حیات، عزت و امنیت خود را حفظ می‌کند. از این رو، خونخواهی در فرهنگ اسلام، پیش از آنکه انتقام باشد، پاسداری از حیات امت است.

بقیه در صفحه ۷

مسئولان رسماً خروج از تفاهم‌نامه را اعلام کنند

آمریکا تفاهم را زیر پا گذاشت وقت بازگشت از مسیر «غیراصولی» است

سرویس سیاسی-

در پـــی نقـــض بند بـــه بند تفاهم‌نامه و گستاخی‌های میدانی و زبانی ترامپ قمارباز، مسئولان امر، رسماً خروج ایران از این تفاهم مرده را اعلام کننـــد؛ گام بعدی اتخاذ آرایـــش مقتدرانه نظامی، پاسخ شـــخصی رئیس‌جمهور به یاوه‌گویی‌های ترامپ و گنجاندن زیرساخت‌های متجاوزان در بانک اهداف موشکی و پهپادی است.

خیلـــی زودتر از آنکـــه امضاهای دیجیتال پای تفاهم‌نامه به ابزار دست واشنگتن برای یک سناریوی تازه بدل شود، ناظران دلسوز و انقلابی نقاب از چهره پیمان‌شکن کاخ سفید برداشته و نسبت به راهبرد «خرید زمان» در دولت ترامپ هشدار داده بودند.

امروز تحـــولات میدانی و مواضع گستاخانه کاخ ســـفید نشان می‌دهد آنچه در اواخر بهار به عنوان راهکاری برای کاهش تنش‌ها معرفی شد، چیزی جز یک «سوءتفاهم‌نامه» نبوده است. آمریکا نه تنها بند به بندِ این ســـند را زیر پا گذاشته، بلکه با ادبیاتی بی‌شرمانه و باج‌خواهی‌هـــای جدیـــد نظیر طلب «پـــول زور» در تنگه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، مرگ رسمی این تفاهم را اعلام کرده است. در این شـــرایط، ادامه بقای یک‌طرفه دستگاه دیپلماسی ما در این بن‌بست، نه نشان از «عقلانیت» دارد و نه «هوشمندانه و شرافتمندانه» است؛ بلکه وقت آن است که دولتمردان از فاز نگاه حیثیتی به یک تفاهم‌نامه مرده خارج شده، رسماً خروج ایران از این توافق باطل را اعلام کنند و با آرایشی جنگی، پاسخ این گستاخی را در میدان بدهند.

سند بی‌اصولی که با «نظر دیگری» امضا شد!

ریشه انحراف از جایی شکل گرفت که برخی مصلحت‌سنجی‌های زودگذر، جایگزین هشدارهای اصولی و بنیادین شـــد. در همان روزهـــای پر تب‌وتاب خردادماه(پس از امضای تفاهم نامه) و ذوق‌زدگی رسانه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات، رهبر حکیـــم انقلاب؛ امام سید مجتبی خامنه‌ای در پیامی صریح، مرزبندی کرده و فرمودند:

«بنده علی‌الاصـــول، نظر دیگری داشـــتم ولـــی از بـــاب تعهّـــدی که رئیس‌جمهـــور محترم به‌عنوان رئیس شورای عالی امنیّت ملّی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملّت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه آن را صادر نمودم.»

ایشان همچنین تأکید کرده بودند که ملت و رهبری منتظر تحقق شروط گفته‌شـــده خواهند بود و هرگز زیر بار زیاده‌خواهی دشمن نخواهند رفت.

امـــروز بـــا بازخوانـــی آن پیـــام، مشخص می‌شـــود که نگاه کلان نظام بر پایه بی‌اعتمادی مطلق به گرگ‌های واشنگتن استوار بود؛ اما دولت با پذیرش مسئولیت تام، مسیر دیگری را آزمود که فرجام آن پیش‌روی چشم همگان است. تفاهم‌نامه‌ای که با ایده دور کردن سایه جنگ تبلیغ می‌شد، عملاً به دستاویزی برای تعرضات و گستاخی‌های بیشتر دشمن بدل گشت.

از نقض بند به بند تعهدات تا گستاخی میدانی

نگاهی بـــه جزئیـــات تفاهم‌نامه نشان می‌دهد ایالات متحده در سطح گفتاری، کرداری و ساختاری، این تفاهم را بی‌اعتبار کرده است.

بر اســـاس تفاهم‌نامه، قـــرار بود اســـقاطیه تحریم‌های نفتی به عنوان تنها هویج این مذاکـــرات فعال بماند و دارایی‌های بلوکه‌شـــده ایـــران آزاد گـــردد. اما آمریکا نه تنهـــا بند ۱۰ را با لغو اســـقاطیه‌ها به طور کامل نقض کرد، بلکه درخصـــوص بند ۱۱ نیز با کلاهبرداری آشکار، عملاً هیچ پولی را آزاد نکرد. مضحک آنکه وقتی برخی از مقامات داخلی برای خرید سویا و گندم آمریکایی چراغ سبز نشان دادند، ترامپ گستاخ‌تر شد و به جای پرداخت غرامت به ایران، ســـیگنال‌هایی صادر کرد که گویی ایران باید به کشاورزان آمریکایی غرامت بپردازد!

همچنین بنـــد اول تفاهم‌نامه بر آتش‌بس و عدم تعرض تأکید داشـــت. با این حال، این روزها ارتش تروریست آمریکا شدیدترین حملات خود را پس از امضـــای تفاهم در ســـواحل جنوبی و زیرســـاخت‌های نظامی و غیرنظامی ایران به اجرا گذاشـــته است. تجاوزات مســـتمر رژیم صهیونیستی به خاک لبنان نیز عملاً ایـــن بند را از روز اول باطل کرده بود.

افـــزون بر این، دونالـــد ترامپ در مواضع خود بی‌آبرویی سیاســـی را به اوج رســـاند و بـــا به‌کارگیری کلماتی شنیع و توهین‌آمیز-آشـــغال، شرور، ســـرطان، بی‌عرضه، بیمـــار و...- علیه ملت و مسئولین کشورمان، نشان داد که ادبیات کاخ ســـفید چقدر از عرف دیپلماتیک فاصله دارد! او در ترکیه و سپس در شبکه اجتماعی خود (تروث) رسماً اعلام کرد: «از نظر من آتش‌بس پایان یافته و مرده اســـت» و متعاقباً با ارســـال نامه‌ای رسمی به کنگره، آغاز دوباره جنگ را ثبت حقوقی کرد.

دکان باج‌خواهی ترامپ در تنگه هرمز

دولت ترامپ پس از ۴۰ روز نبرد ســـخت با ایران، زمانی که دید با ادامه جنگ به هیچ‌کدام از اهدافش نرسیده و شـــرکای منطقـــه‌ای‌اش در تنگنای شـــدید انرژی قرار گرفته‌اند، از طریق واسطه‌ها پیشـــنهاد توقف درگیری را مطرح کرد. خواســـته اصلی واشنگتن بازگشـــایی مرحله‌ای تنگه هرمز بود و برای رسیدن به آن، حاضر شد مدیریت تردد را در متن تفاهم‌نامه رسماً به ایران واگذار کند. اما طمع کاسبکارانه ترامپ و آشـــفتگی در کانـــون تصمیم‌گیری واشنگتن خیلی زود این روند را مختل کرد. رئیس رژیم تروریســـتی آمریکا در موضع‌گیـــری عجیبی پس از اعلام پایان تفاهم‌نامه، مدعی شـــد که تنگه هرمز همچنان باز است و تحت کنترل آمریکاســـت! او اعلام کرد از این پس کشتی‌های عبوری باید عوارض سنگین ۲۰ درصدی از ارزش محموله خود را برای تأمین امنیت به حساب واشنگتن واریز کنند.

این ادعای مضحک که چیزی جز طلب «پـــول زور» و باج‌خواهی علنی نیست، پرده از استراتژی جدید آمریکا برمی‌دارد. ترامپ که در میدان نظامی توانایی تسلط بر هرمز را ندارد، تلاش می‌کند با تشـــدید تنش‌ها و به بهانه محاصـــره دریایی ایـــران، مانعی برای تردد کشـــتی‌ها ایجاد کرده و رفع این موانع را به پرداخت عوارض مشـــروط کند. او تنگه هرمز را نه یک شـــاهراه بین‌المللی، بلکه دکانی برای کاسبی و باج‌گیری خود پنداشته است.

سردرگمی استراتژیک در واشنگتن و بن‌بست ترامپ

حـــرکات سینوســـی و عجولانه ترامپ، بیـــش از آنکه نشـــان‌دهنده قدرت باشـــد، بازتاب‌دهنده تشتت آرا و اختلافات شـــدید در حلقه مشاوران نزدیک اوست. سیاست‌های تکراری و اشتباهات پی‌درپی، واشنگتن را در یک دور باطل و بن‌بست راهبردی قرار داده است. از ســـویی، اهداف بزرگ آمریکا برای براندازی یا نابودی توان موشکی ایران، امروز به چالش مدیریت عبور و مرور در تنگه هرمز تقلیل یافته است.

این سردرگمی تا جایی پیش رفته که حتی در داخل آمریکا نیز به شدت به چالش کشیده می‌شود. رهبر اقلیت دموکرات در مجلس سنای آمریکا در انتقادی تند اعلام کرده است:

«رویکرد ترامپ درخصوص ایران راهبرد نیســـت، دســـتورالعمل بروز فاجعـــه‌ای دیگر اســـت. مـــا در حال پرداخت بهای شکســـت مطلق ترامپ در جنگ با ایران هستیم.»

همچنین بر اســـاس نظرسنجی روزنامـــه نیویورک‌تایمز، ۶۴ درصد از شـــهروندان آمریکایـــی صراحتاً اعلام کرده‌اند کـــه تصمیم ترامپ برای آغاز تنش و درگیـــری مجدد با ایران، یک «تصمیم اشتباه» است.

مورفی، سناتور برجسته و مشهور آمریکایی از ایالت کانکتیکات نیز اعلام کرد: «ترامپ مقابل ایران هیچ گزینه‌ای ندارد؛ بی‌کفایتی فزاینده او، آمریکا را در بن‌بست گرفتار کرده است.»

با این حال، ترامپ به دلیل نداشتن یک دکترین مشـــخص، کماکان میان طمـــع اقتصادی، هـــراس از درگیری همه‌جانبـــه و فشـــارهای لابی‌هـــای صهیونیستی سرگردان است.

چرا مسئولان رسماً خروج از تفاهم‌نامه را اعلام نمی‌کنند؟

در مواجهـــه بـــا ایـــن حجـــم از عهدشکنی‌های علنی، تامل‌برانگیزترین بخش ماجرا ســـکوت عجیب و انفعال پاستورنشینان اســـت. ترامپ قمارباز تفاهم‌نامه را از لحـــاظ حقوقی، زبانی و عملیاتـــی نابود کرده، اما دســـتگاه دیپلماســـی ما هنوز اراده‌ای برای ابراز موضع صریح مبنی بـــر خروج از این تفاهم بی‌خاصیت را به خود نداده است. امـــروز دیگر زمـــان بیانیه‌های دوپهلو نیست؛ مسئولان ارشد اجرائی باید گام آخر را بردارند و رســـماً و علناً، خروج کامل جمهوری اســـلامی ایران از این تفاهم‌نامه باطل را فریاد بزنند.

گویی باز هم سایه سنگین همان توهمات دوران برجام بر تصمیم‌گیری‌ها ســـنگینی می‌کند. در زمان برجام نیز با وجـــود آنکه طرف مقابل تعهدات را لگدمال کرد و نهایتاً خارج شد، عده‌ای در داخل با بهانه‌هایی چون «جلوگیری از فعال شدن مکانیسم ماشه»، اصرار داشـــتند ایران تا آخریـــن روز در آن کالبد بی‌جان بماند؛ که در نهایت هم تحریم‌ها برگشت و هم مکانیسم ماشه فعال شـــد. امروز تکرار همان فرمول، یعنـــی باقـــی ماندن یکطرفه بر ســـر میزی که طرف مقابـــل آن را واژگون کـــرده، خطایی نابخشـــودنی و تکرار گران‌تر تجربه‌های پرهزینه گذشـــته است.

آقایان دیپلمـــات باید بدانند این تفاهم‌نامه اکنون صرفاً یک کاغذباطله است و دفاع حیثیتی از آن هیچ عایدی برای ملت ندارد. شخصی که در مسند ریاست جمهوری تکیه زده، باید شخصاً و با ادبیاتی مقتدرانه، پاسخ یاوه‌گویی‌ها، فحاشـــی‌ها و توهین‌های بی‌شـــرمانه ترامپ را بدهد تا کاخ ســـفید عرصه را خالی نبیند!

ضرورت اتخاذ آرایش نظامی و بازتعریف بانک اهداف

ایران در جنگ ۴۰ روزه به خوبی نشـــان داد که تســـلط تام بر شریان اقتصادی جهان یعنی تنگه هرمز دارد و هرگز آنچـــه را که در عرصه میدانی بـــه دســـت آورده، روی میـــز مذاکره واگذار نخواهد کـــرد. با لغو تفاهم‌نامه از ســـوی آمریکا، دولت نـــه تنها باید آرایـــش سیاســـی، بلکه بایـــد آرایش نظامـــی و عملیاتی قاطعـــی به خود بگیرد.

واشـــنگتن تصـــور می‌کنـــد بـــا کارت‌های ســـقف تنش نظیـــر ترور فرماندهان، تهدید به تهاجم به جزایر یا زدن زیرساخت‌های انرژی، می‌تواند تهران را به تسلیم وادار کند. اما پاسخ ایران در این فاز جدید، تغییر جدی در موازنه وحشت اســـت. از این پس، در صورت هرگونه ماجراجویی از ســـوی پنتاگون، نه تنها پایگاه‌های آمریکایی، بلکه تمام عمق سرزمین‌های اشغالی و زیرساخت‌های حیاتی و انرژی آن دسته از کشورهای عربی منطقه که خاک خود را در اختیـــار متجاوزان قرار می‌دهند، بـــه عنوان هدف مشـــروع بـــه «بانک اهداف» نیروهای مســـلح ایران اضافه خواهد شد.

دکترین نظامـــی ما کاملاً به‌روز و تهاجمی اســـت؛ همان‌طور که پیش از ایـــن اعلام شـــده بـــود، در صورت بروز هرگونه حماقت نظامی از ســـوی واشنگتن، دامنه نبرد دیگر محدود به منطقه نخواهـــد بود و به «فرامنطقه» کشیده خواهد شد. بازوهای قدرتمند جبهـــه مقاومـــت در سراســـر پهنـــه جغرافیایی منطقه آماده‌اند تا با کمترین تحرک دشمن، شریان‌های حیاتی آنان را قطع کنند. در جنگ بعدی، تســـلط ایران نه تنها بر هرمـــز و باب‌المندب محکم‌تر می‌شود، بلکه مناطق اقتصادی جدیدی نیز از دسترس دشمن خارج خواهد شد.

علاوه بر این، رفتار ترامپ ثابت کرد که هرگونه مذاکره بر ســـر دارایی‌های اســـتراتژیک کشـــور، به ویژه ذخایر ارزشمند اورانیوم ۶۰ درصد، حماقتی محض است. این ذخایر ناموس هسته‌ای و پشـــتوانه امنیت ملی ما هســـتند و ســـپردن آن‌ها به قول و قرارهای یک قمارباز سردرگم، بازی با حیات سیاسی کشور است.

سخن آخر

تفاهم‌نامـــه ۲۸ خـــرداد به پایان راه خود رســـیده است؛ نه به خواست ما، بلکه به دلیل خصلت اســـتکباری و عهدشکنی ذاتی ایالات متحده که بند بند آن را نقض کـــرد. اصرار بر ماندن در این بن‌بســـت، جز فرسایش اقتدار ملـــی و جری‌تر کـــردن ترامپ برای باج‌خواهی بیشتر، ثمری نخواهد داشت. وقت آن اســـت که آقایـــان دیپلمات عینک خوش‌بینی را برداشـــته، پایان تفاهم‌نامه مرده را رســـماً اعلام کنند و فرمـــان اداره کشـــور را به ســـمت تقویـــت همه‌جانبه اقتـــدار درون‌زا و فعال‌ســـازی آرایش نظامی در تمامی ابعـــاد اقتصادی، دفاعی و هســـته‌ای بچرخانند. رئیس‌جمهور باید پیش‌قراول پاســـخ صریح به یاوه‌گویی‌های ترامپ باشد و بانک اهداف جدید موشک‌های ما، سرنوشت هر متجاوزی را در منطقه روشـــن خواهد کرد. تنگه هرمز برگ برنده ایران اســـت و اراده ملی ماست که سرنوشـــت نهائی ایـــن آبراه بزرگ را رقم خواهد زد، نه عربده‌کشـــی‌های بی‌پشتوانه کاخ سفید.

وزیر خارجه عمان:

۴۵ سال به دروغ گفتند که ایران تهدید منطقه است

وزیر خارجه عمان در مقاله‌ای نوشت که به بهانه و دروغ «تهدید ایـــران» منطقه خلیـــج فارس نظامی‌ســـازی شـــد، اما اکنون مشخص شده است که این حجم از پایگاه‌های نظامی و تسلیحات هیچ کارایی از خود نشان نداده‌اند.

«بـــدر البوســـعیدی»، وزیر امور خارجه عمـــان طی مقالـــه‌ای که در روزنامه فرانســـوی «لوموند» منتشـــر شده، با تأکید بر لزوم بازنگری اساسی در ساختار امنیتی خلیج‌فارس، خواستار کنار گذاشتن سیاست «مهار» [ایران] و حرکت به ســـوی نظامـــی فراگیر و مشـــارکتی برای تأمین امنیت منطقه شد.

وی در ابتدای این مقاله با اشـــاره به پیامدهای جنگ اخیر تصریح کرد: «مردم سلطنت عمان و همسایگانشان در منطقـــه خلیج‌فـــارس همچنان از پیامدهای جنگی رنج می‌برند که هیچ توجیهی برای وقوع آن وجود نداشت».

البوســـعیدی افزود: «امید فراوانی وجود دارد که اکنون واقعاً وارد دوران پس از جنگ شـــده باشـــیم، نه اینکه تنهـــا با یک آتش‌بس کوتاه‌مدت دیگر روبه‌رو باشیم.

وزیر خارجه عمان هشدار داد: «اگر جنگ واقعاً پایان نیافته باشد و کسانی بـــا بی‌احتیاطی و بی‌خردی تصمیم به ازسرگیری درگیری‌ها بگیرند، دست‌کم باید از آن درس بگیریم».

وی تأکیـــد کـــرد: «بـــه جـــای تمرکز بر گذشـــته نزدیک و خطاها و سوءمحاسبات آن، باید نگاه خود را به آینده معطوف کنیم».

البوســـعیدی با اشاره به مذاکرات جاری درباره تنگه هرمز اظهار داشت که اکنون گفت‌وگوهای پیچیده‌ای برای دستیابی به ترتیبات بلندمدت با هدف تضمین آزادی کشتیرانی در این آبراه در جریان است.

وی گفت سلطنت عمان «مسئولیت ویژه‌ای» بر عهده دارد تا همراه با ایران و همچنین جامعه بین‌المللی به‌عنوان اســـتفاده‌کنندگان از تنگه هرمز، برای دســـتیابی به ســـازوکارهایی عملی، پایـــدار و مبتنی بر حقـــوق بین‌الملل که آزادی کشـــتیرانی را تضمین کند، همکاری کند.

وزیر خارجه عمان خاطرنشان کرد کـــه جامعه بین‌المللی به موفقیت این مذاکرات نیاز دارد، زیرا آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز یکـــی از ارکان حیاتی اقتصاد جهانی است.

وی در عیـــن حال تأکید کرد که رسیدگی به مســـئله تنگه هرمز نباید مانع نگاه به مســـائل بنیادی‌تر شود و افزود: «باید پذیرفت که تنگه هرمز تنها بخشی از یک تصویر بزرگ‌تر است که آن نیز نیازمند توجهی جدی است».

سیاست مهار ایران بر پایه یک دروغ بنا شد

البوســـعیدی ســـپس به بررسی ســـاختار امنیتی خلیج‌فارس از سال ۱۹۷۹ پرداخـــت و نوشـــت: «امنیت خلیج‌فـــارس بـــر پایـــه سیاســـتی سازمان‌دهی شد که به «مهار» معروف بود».

به گفته وی، منطق این سیاست که بر حذف و کنار گذاشتن نیز استوار بود، دفاع از خلیج‌فارس و منافع غرب در برابر آنچه تهدیدی وجودی از سوی ایران تلقی می‌شد، عنوان می‌شد.

وی تأکید کرد: «اشکال اساسی این منطق آن است که ایران در واقع چنین تهدید وجودی‌ای نبوده است».

وزیـــر خارجه عمان افزود که طی دهه‌های گذشـــته با صرف هزینه‌های سنگین، ســـاختاری مبتنی بر افزایش بی‌رویه هزینه‌های دفاعی کشـــورهای منطقه، گســـترش پایگاه‌های آمریکا در خلیج‌فارس و تقویت حضور نظامی پیشگیرانه و دوربرد ایجاد شد، اما این ساختار در نهایت دستاورد واقعی بسیار اندکی داشت.

البوسعیدی تصریح کرد: «جنگ اخیر نشان داد که سیاست مهار چیزی جز یک افسانه نبوده است».

وی افزود این واقعیت اکنون حتی از سوی بسیاری از کسانی نیز پذیرفته شـــده که پیش‌تر بیش از ۴۵ ســـال اجرای پرهزینه این سیاست را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند.

تل‌آویو تهدید اصلی منطقه است

وی در ادامـــه تأکیـــد کـــرد: «بزرگ‌تریـــن تهدیدهـــا علیه امنیت خلیج‌فارس از درون منطقه سرچشمه نمی‌گیرند، بلکه نتیجـــه تصمیم‌ها و اقداماتی هستند که خارج از منطقه و در رأس آنها در تل‌آویو اتخاذ می‌شوند».

البوســـعیدی افزود: «این واقعیت اکنون آشکار شده است».

وی ســـپس این پرسش را مطرح کرد که این درک جدید چه پیامدهایی برای آینده امنیت خلیج‌فارس خواهد داشت و چگونه باید با تصویر گسترده‌تر امنیت منطقه برخورد کرد.

وزیر خارجه عمان با اشاره به اینکه هشـــت کشور در سواحل خلیج فارس قـــرار دارند، گفت علاوه‌بر عمان و پنج عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، عراق و ایران نیز دو کشـــور مهم این منطقه هستند که در دوره‌های مختلف هدف سیاست‌های مهار و مداخلات نظامی قرار گرفته‌اند.

البوســـعیدی تصریح کرد که هر هشـــت کشـــور از منافع حیاتی ملی برخوردارنـــد و بـــا وجود تفـــاوت در مســـئولیت‌ها و اولویت‌ها، همگی در قبال امنیـــت مشـــترک خلیج‌فارس مسئولیت دارند.

وی تأکید کرد: «همه این کشورها باید بخشـــی از هر فرآیندی باشند که به شکل‌گیری ترتیبات امنیتی جدید منجر می‌شـــود و همگـــی باید در آن مشـــارکت کرده و مسئولیت مشترک آن را بر عهده بگیرند».

وزیـــر خارجه عمان با اشـــاره به ضرورت گفت‌وگوهای آینده گفت که این مســـیر مستلزم مذاکراتی جدی و شاید دشوار اســـت، زیرا پرسش‌های پیچیـــده‌ای بایـــد مطـــرح شـــود و تصمیم‌های عملی نیازمند بررســـی و رایزنی است.

وی افـــزود یکـــی از مهم‌تریـــن موضوعـــات، کنار گذاشـــتن فرضیات قدیمی درباره این مســـئله اســـت که کدام نوع از شـــراکت‌ها واقعاً می‌تواند امنیت مورد نیاز هشت کشور ساحلی خلیج‌فارس و همچنین جامعه بین‌المللی را تأمین کند و کدام شراکت‌ها ممکن است آســـیب‌پذیری‌های ناخواسته‌ای ایجاد کنند.

البوسعیدی همچنین تأکید کرد که این روند دست‌کم مستلزم ارزیابی صریـــح روابط با دوســـتان و متحدان قدرتمند، به‌ویژه ایالات متحده، است.

رابطه با آمریکا باید بازتنظیم شود

وی در عیـــن حـــال تصریح کرد: منظور از این ارزیابـــی، قطع روابط با آمریکا نیست، زیرا این روابط بر پایه‌های تاریخی عمیق اســـتوار بوده و ظرفیت همکاری‌های ارزشمند در آینده را نیز دارد، بلکه شـــاید لازم باشد این روابط به گونه‌ای بازتنظیم شود که با واقعیت راهبردی آشکارشـــده در جنگ اخیر هماهنگی بیشتری داشته باشد.

وزیـــر خارجه عمان ســـپس این پرســـش را مطـــرح کـــرد: «اگر اصل شـــمول‌گرایی قرار اســـت جایگزین سیاســـت مهار به‌عنـــوان مبنای نظام همـــکاری امنیتی منطقه‌ای شـــود، دوســـتانی مانند ایـــالات متحده چه نقش مثبت‌تر و مناسب‌تری می‌توانند ایفا کنند؟».

البوســـعیدی در پایان تأکید کرد که این گفت‌وگوها در درجه نخســـت به کشورهای حوزه خلیج‌فارس مربوط می‌شـــود، اما خلیج‌فارس را نمی‌توان از محیط پیرامونی آن جدا دانســـت و باید واقعیت‌های جغرافیایی و الزامات لجســـتیکی منطقه نیز در نظر گرفته شود.

وی افزود یکـــی از موضوعاتی که تاکنون آن‌گونه که شایســـته اســـت مـــورد توجه قـــرار نگرفتـــه، منطقه گســـترده شـــمال‌غرب اقیانوس هند اســـت؛ منطقه‌ای که بنادر و آبراه‌های راهبردی مهمی را در خود جای داده و از مسیرهای مختلف با زیرساخت‌های کشـــورهای حوزه خلیج‌فـــارس پیوند خورده است.

بـــه گزارش فـــارس، وزیر خارجه عمـــان در پایان نوشـــت: این جنگ یک فاجعه اســـت. جنگـــی که بدون مجوز ســـازمان ملل متحد آغاز شـــد و بـــه هیچ‌یک از اهدافـــی که به طور رسمی برای آن اعلام شده بود، دست نیافت. بـــا این حال، اگـــر این جنگ سرانجام به دفن شدن افسانه «سیاست مهار» [ایران] در خلیج‌فارس بینجامد، آنـــگاه می‌تو